

# مذهب ناصر

مشکل از آنجا شروع میشود که مذهب در مصر شکل خاصی یافته است .

تنها وظیفه مذهب این نیست که تمایلات سرکوب شده توده‌های مردم را از راه القاء عفو و اغماض راضی کند بلکه وظیفه دشوارتری در پیش دارد و آن حل مشکلات خارجی عبدالناصر است .

در سالهای اول حکومت ناصر ، خواست های مربوط به رفرف اقتصادی توسعه یافت ؛ دولت که میخواست صدای مخالفان را درطنین هیاهوی اصلاحات بی اثر سازد همه نیروی تبلیغاتی اش را متوجه بزرگ نمائی طرحهای اقتصادی کرد ؛ اطمینان داد که در ظرف مدت کوتاهی پیشرفتهای عظیم اقتصادی ، زندگی مردم را بسوی آیندهای بهتر دگرگون خواهد ساخت .

امروز دیگر هر نوع پرسشی درباره این مطلب که آیا ناصر موفق به تأمین رفاه بیشتری برای مردم گردیده است زائد بنظر میرسد زیرا نه فقط مسأله پیشرفت و زندگی بهتر مطرح نیست بلکه موجودیت تنهاتکیه گاه حکومت ناصر یعنی ارتش و پلیس نیز بسبب جنگ آفرینی ها و توطئه سازیها بخطر افتاده و بودجه عظیم و بی تناسب این نیروها که در بندر حدیده به دریا ریخته میشود و یا در کوههای صنعا قربانی برادر

کشی میکرد اقتصاد مصر را از پا در آورده است .

ناصر در شرایطی که تدریجاً سر نیزه‌ها زنگ میزند و امید مردم برای زندگی بهتر به یأس میانجامد بیش از هر روز دیگر به قدرتهای مذهبی احتیاج دارد تا برای رفتگان طلب مغفرت کند و برای آنها که زنده مانده‌اند از خداوند صبر و تحمل بخواهد و برای ترمیم شکست‌های پی‌درپی‌اش در کشورهای عرب احساسات مذهبی مردم این سرزمین‌ها را بسود خود برانگیزد لذا همانطور که گفته شد «تنها وظیفه مذهب این نیست که تمایلات سرکوب شده توده‌های مردم مصر را از راه‌القاء عفو و اغماض راضی کند بلکه وظیفه دشوارتری را نیز در پیش دارد و آن حل مشکلات خارجی عبدالناصر است»

بمنظور نیل به این هدف‌ها ناصر جامع‌الازهر را به سرنوشتی اسف‌انگیز دچار کرد یعنی معنویت و روحانیت را از آن گرفت و از هر یون‌رانا آنجا که توانست به میدان سیاست کشانید؛ اینک نیز انعکاس این اقدامات در کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد: زمامداران این کشورها برای ترمیم خرابکاریهای ناصر تلاش می‌کنند که معنویت و روحانیت را به روحانیونی که آلت سیاسی شده‌اند بازگردانند و آنها را از آلودگیهای سیاسی بپیرایند!!

علمای‌الازهر نیز که سالها بافتوهای خود به اعمال ناصر صحه گذارده‌اند اینک در برابر حوادث خونین یمن دچار بهت و حیرت شده‌اند و بمنظور بازگردانیدن حیثیت این مرکز علمی مایل به کناره‌گیری از سیاست هستند درحالیکه اعدام روحانیون اخوان‌المسلمین در اینکشور نشان میدهد که فعلاً راه بازگشت ندارند .

نکته جالب آنکه از هر یون وظیفه تبلیغاتی خود را نیز

نمیشناسند زیرا نمایندگان آنها در کشورهای اسلامی متحیر و سرگردان مانده‌اند: از طرفی باید سوسیالیسم ناصر را با موازین شرع موافق بدانند و از تز اصلاحات ارضی و آزادی زنان مصر دفاع کنند در عین حال روحانیون کشورهای مسلمان را برای مقاومت در برابر طرحهای اصلاحات ارضی کشورشان برانگیزند و با هر نوع پیشرفتی مخالفت کنند؛ باین ترتیب معلوم میشود که تقسیم اراضی و آزادی زنان در مصر حلال است و در سایر کشورها حرام !!

ناصر در یمن برای سرکوب کردن امام وسیله عمال الازهر امام یمن و فرقه زیدیه را تکفیر کرد؛ در مجله «العربی» علمای مذهب تشیع را بت پرست نامید زیرا مایل بود که ایرانیان شیعه کویت را اخراج کند؛ مبلغان مذهبی الازهر بنام معلم شریعت به کشورهای عربی و شیخ نشینها رفتند و دهها حادثه خونین بوجود آوردند؛ با اینهمه موقعیکه ناصر علیه مسلمانان ترك در جزیره قبرس دست بکار شد و از قشرهای مسیحی جانبداری کرد الازهر در صدد اعتراض برآمد و همه میدانند که چگونه فریادش را در گلویش شکستند.

درس زمینهای عربی که ناصر موفق به استقرار اعمال تبلیغاتی اش شده است روحانیون عراقی، اردنی، سوری نقشی ندارند و مردم از آنها بیگانه اند در حالیکه روحانیون مصری از حکومتهای محلی حقوق مکفی میگیرند و در بهترین شرایط زندگی بسر میبرند.

باید دید که بدنبال شکستهای اقتصادی و نظامی و بی اثر شدن سلاحهای مذهبی ناصر به کجا تکیه خواهد کرد؟